**نام مقاله: شكل‌نوين پيشنهادي براي شناسه‌هاي كتابشناسي مل‍ّي ايران**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 25 \_ شماره اول ، جلد 7**

**پديدآور: دكتر مرتضي كوكبي**

**چكيده**

**در اين نوشته به عناصر مندرج در 3 سطح توصيف فهرستنويسي «قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن» اشاره گرديده و نشان داده شده كه كتابخانه ملّي جمهوري اسلامي ايران در فهرستنويسي كتاب‌هاي فارسي گاه از سطح دوم و گاه از برخي عناصر سطح سوم استفاده كرده است.چون برگه‌هاي فهرست كتابخانة ملي در همة انواع كتابخانه‌ها مورد استفاده است. مؤلف شيوه‌اي نوين و در عين‌حال ساده براي فهرستنويسي در سطح اول و دوم پيشنهاد كرده كه در انواع كتابخانه‌ها مي‌تواند كاربرد داشته باشد.**

**كليدواژه‌ها: قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن، فهرستنويسي توصيفي، فهرستنويسي سطح اول، فهرستنويسي سطح دوم، فهرستبرگه، سطح توصيف، كتابشناسي ملي ايران**

**مقدمه**

در كتاب «قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن» سه قاعده با شماره‌هاي 1.0D1، 1.0D2 و 1.0D3 هست كه در آن‌ها، سه سطح براي توصيف كتابشناختي در يك فهرستبرگه ارائه شده. براي هريك از اين سه سطح كه از ساده به مرك‍ّب ارائه شده‌اند حد‌ّاقل عناصر اطّلاعاتي كه در هر فهرستبرگه بايد جاي داده شوند مشخص شده. حسن استفاده از اين سطوح اين است كه فهرستنويس در هر كتابخانه‌اي، بر حسب سطح تفصيلي كه انتخاب مي‌كند مي‌داند كه بايد چه عناصري را در كتاب مورد فهرستنويسي جستجو نمايد و به اين ترتيب، كار فهرستنويسي بنيادي تا حدود زيادي، از يك سو آسان و از سوي ديگر، يكدست مي‌شود. به‌ نظر نمي‌رسد كه فهرستنويسي انجام‌شده در كتابشناسي مل‍ّي ايران كه يكي از مراجع معتبر براي رونويسي از فهرستبرگه‌هاي آماده است چندان پايبند به اين سطوح تفصيل باشد. نگارنده بر آن است اين عدم پايبندي را نشان دهد و راه‌حل‍ّي براي استفاده از دو سطح پيشنهادي اول و دوم در شناسه‌هاي كتابشناسي مل‍ّي ايران كه به صورت فهرستبرگة كامل هستند، پيشنهاد كند.

**سطوح تفصيل در «قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن»**

سطوح تفصيل در قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن به شرح زيراند:

**«1.0D1 نخستين سطح توصيف:** براي نخستين سطح توصيف، دست‌كم، عناصري را كه در نمونة زير تنظيم شده است بگنجانيد:

عنوان كامل/ شرح نخستين پديدآور (در صورتي كه از نظر شكل يا تعداد با سرعنوان شناسة اصلي تفاوت داشته باشد يا در صورتي‌كه سرعنوان شناسة اصلي موجود نباشد). ـ‌ شرح ويرايش.ـ جزئيات ويژه مادي (يا نوع انتشار) .ـ نخستين ناشر (و جز آن)، تاريخ نشر (و جز آن) .ـ تعداد جلد يا صفحه .ـ يادداشت(ها).ـ شماره استاندارد.»

نكتة قابل ذكر، وجود كلمه «دست‌كم» در قاعدة بالا است. اگرچه وجود اين كلمه نشان مي‌دهد كه عناصر پيشنهادي، كمترين عناصر لازم براي گنجانيدن در اين سطح از توصيف هستند، اما براي اين كه اين سطح را بتوان به شكلي يكدست مورد استفاده قرارداد مي‌توان بطور قراردادي، تنها عناصر پيشنهادي در اين سطح را برگزيد و عنصري افزون بر اين‌ها در اين سطح نگنجانيد. همچنين «جزئيات ويژة ماد‌ّي (يا نوع انتشار)» مطابق توضيحي كه در صفحه 79 كتاب « قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن» ارائه شده، تنها براي توصيف مواد جغرافيايي و پيايندها به كار خواهد رفت. به اين ترتيب، اين عنصر اطلاعاتي در كتابشناسي مل‍ّي ايران كه عمدتاً به كتاب مي‌پردازد كاربردي نخواهد داشت.

مثالي كه در زير از كتابشناسي ملي ايران آورده مي‌شود نشان مي‌دهد كه با پيروي از الگوي پيشنهادي در اين سطح، فهرستبرگه چه تغييراتي پيدا مي‌كند. به دليل اين‌كه بحث در اين نوشته صرفاً پيرامون فهرست توصيفي است، در همة نمونه‌هاي مورد استفاده، فهرست تحليلي و شماره‌هاي مختلف در فهرستبرگه (اعم‌ّ از شماره‌هاي رده‌بندي و شماره‌هاي سفارش فهرستبرگه) حذف شده‌اند:



**تصوير 1. بخش توصيفي يك فهرستبرگه از كتابشناسي ملي ايران**

حال اگر فهرستبرگة بالا در نخستين سطح توصيف نوشته شود، شكل زير را پيدا خواهد كرد


**«.1.0D2 دومين سطح توصيف:** براي دومين سطح توصيف، دست‌كم، عناصري را كه در نمونه زير تنظيم يافته است برگزينيد: عنوان كامل [نوع كلي ماده]= عنوان به زبان ديگر: عنوان ديگر/ نخستين شرح پديدآور؛ شرح [تكرار نام] هريك از پديدآورهاي بعدي.ـ شرح ويرايش/ نخستين شرح پديدآور مربوط به ويرايش.ـ جزئيات ويژه مادي (يا نوع انتشار).ـ نخستين محل نشر (و جز آن)، نخستين ناشر (و جز آن)، تاريخ انتشار (و جز آن) .ـ تعداد جلد يا صفحه: ديگر جزئيات مادي؛ ابعاد.ـ (عنوان كامل فروست/ شرح پديدآور مربوط به فروست، شماره استاندارد بين‌المللي فروست؛ شماره فروست. عنوان فرعي، شماره استاندارد بين‌المللي فروست فرعي يا [يعني،؛] شماره‌هاي فروست فرعي).ـ يادداشت(ها).ـ شماره استاندارد.»

در مورد دومين سطح توصيف نيز بهتر است توضيح داده شود كه «ابعاد» معمولاً در فهرستبرگه‌هاي فارسي نوشته نمي‌شود و همان‌طور كه در مورد نخستين سطح توصيف نيز توضيح داده شد «جزئيات ويژه مادي (يا نوع انتشار)» نيز تنها براي توصيف مواد جغرافيايي و نشريات پيايندي به كار خواهد رفت. «[نوع كلي ماده]» نيز در فهرستبرگه‌هاي فارسي مربوط به كتاب نمي‌آيد.

مقايسه فهرستبرگة تصوير شمارة 1 با عناصر اطلاعاتي مندرج در دومين سطح توصيف نشان مي‌دهد كه تفاوت چنداني ميان اين دو وجود ندارد و درواقع، سطح فهرستنويسي كتابشناسي ملّي بسيار به دومين سطح توصيف نزديك است. اما بررسي چند فهرستبرگه از كتابشناسي ملّي مشخص مي‌كند كه فهرستنويسي كتابشناسي ملّي، چندان پايبند دومين سطح توصيف نيز نيست. براي نمونه، در يكي از فهرستبرگه‌هاي صفحه **334 از كتابشناسي ملّي** (1375) مورد بررسي، دو محل نشر و دو ناشر به شرح زير داده شده است:

.ـ اصفهان: مشعل؛ تهران: روزبهان، 1373.

درحالي كه در دومين سطح توصيف، مي‌توان تنها نخستين محل‌ّ نشر و نخستين ناشر را ارائه كرد، يعني:

.ـ اصفهان: مشعل، 1373.

يا در يكي از فهرستبرگه‌هاي مندرج در صفحه 492 از كتابشناسي مورد بحث، در منطقه وضعيت نشر، دو ناشر به شرح زير ديده مي‌شوند:

.ـ تهران: تجربه: دفتر ويراسته، 1374.

در حالي كه مطابق دومين سطح توصيف، اطلاعات را مي‌توان به صورت زير ارائه نمود:

.ـ تهران: تجربه، 1374.

پژوهشي نيز كه در سال 1374 با عنوان «بسامد انواع عناصر اطّلاعاتي كتابشناختي در ركوردهاي ملّي كتابشناختي ايران»[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") انجام شد مؤي‍ّد اين مطلب است كه فهرستنويسي انجام شده دركتابشناسي ملي ايران از هيچ‌يك از دو سطح تفصيل فوق‌الذ‌ّكر پيروي نمي‌كند. در اين تحقيق كه بر روي 1412 فهرستبرگة مندرج در شماره 57 (نيمه او‌ّل 1365) كتابشناسي ملي ايران انجام گرديد مشخص شد كه در 9/17 درصد از فهرستبرگه‌ها، عنوان فرعي وجود دارد كه نشان مي‌دهد حد‌ّاقل در اين تعداد، از نخستين سطح توصيف استفاده نشده است. در 1/30 درصد از فهرستبرگه‌ها فروست وجود دارد، درحالي كه در نخستين سطح توصيف، نوشتن فروست لازم نيست. مواردي از اين نوع كه نشان مي‌دهد كتابشناسي ملّي از نخستين سطح توصيف استفاده نمي‌كند، در تحقيق «مسعودي» فراوان است. از سوي ديگر، در 03/40 درصد از فهرستبرگه‌ها دو‌ّمين ناشر و در 28/0 درصد از فهرستبرگه‌ها دومين محل‌ّ نشر ديده مي‌شود. اين اطلاعات نيز بيانگر اين نكته است كه فهرستنويسي ارائه‌شده در كتابشناسي ملي چندان از سطح دوم توصيف استفاده نمي‌كند.

**«1.0D3. سومين سطح توصيف:** براي سومين سطح توصيف، تمام عناصر تنظيم‌شده در قواعد زير را كه مي‌توان براي اثر دردست توصيف به كار بست برگزينيد». به عبارت ديگر، تمام قواعد موجود در كتاب «قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن» را مي‌توان در سومين سطح توصيف به كار برد. به نظر نمي‌رسد كه استفاده از اين سطح سو‌ّم كه تفصيل فراواني دارد در كتابشناسي ملّي ايران لزوم چنداني داشته باشد و اين سطح، عملاً در كتابشناسي ملّي مورد اعتناي چنداني قرار نگرفته است.

با توجه به آن‌چه كه در بالا آمد مي‌توان نتيجه گرفت كه فهرستنويسي انجام شده در كتابشناسي ملّي ايران، شباهتي بسيار اندك به سطح اوّل دارد و در سطحي بين دومين و سومين سطوح، با تمايل بيشتر به سوي دومين سطح توصيف، قرار دارد.

**چرا بايد ميان اين دو سطح مختلف توصيف در كتابشناسي ملّي تمايز قائل شد**

همان‌گونه كه در بالا ذكر شد نيازي به استفاده از سو‌ّمين سطح توصيف در كتابشناسي ملّي نيست و بهتر است كه در كتابشناسي ملّي از همان سطوح نخستين و دومين استفاده شود. اما چرا بايد ميان اين دو سطح در كتابشناسي ملّي تمايز قائل شد؟ نخستين دليل آن است كه هرچند نخستين سطح توصيف مي‌تواند پاسخگوي نياز بسياري از كتابخانه‌هاي ايران باشد، اين كتابخانه‌ها ناچارند به اين علت كه فهرستبرگه‌هاي كتابشناسي ملّي در سطحي ميان دو سطح دوم و سوم ارائه مي‌شوند، از اين سطح استفاده كنند. كتابخانه‌هايي مانند كتابخانه‌هاي مساجد از اين گروه‌اند. كتابخانه‌هاي آموزشگاهي نيز كه معمولاً بودجة كمي در اختيار دارند احتمالاً مايل‌اند از نخستين سطح توصيف استفاده كنند؛ در حالي كه در كتابشناسي ملّي نيمة اول 74 (شماره 83)، از مجموع 5102 مدرك فهرست‌شده، 346 عنوان، يعني حدود 7/6 درصد به كتاب‌هاي كودكان اختصاص داده‌شده، حتي در فهرستنويسي خاص‌ّ اين عناوين نيز كه ساده‌تر از فهرستنويسي كتاب‌هاي بزرگسالان انجام گرديده از نخستين سطح توصيف استفاده نشده است. مثال زير، اين نكته را روشن مي‌كند:


در مورد جزوه‌ها نيز كه 6/1 درصد از مدارك فهرست‌شده در همين شماره از كتابشناسي ملّي را تشكيل مي‌دهند و بدون سرعنوان‌هاي موضوعي و شماره‌هاي رده‌بندي، فهرستنويسي مي‌شوند نيز از هيچ‌يك از اين سطوح توصيف استفاده نشده؛ درحالي كه به راحتي مي‌توان از نخستين سطح توصيف براي آن‌ها استفاده كرد. نمونة زير از همان شماره از كتابشناسي ملّي ايران، تفاوت فهرستنويسي انجام‌شده را با نخستين سطح توصيف نشان مي‌دهد:



براي كتاب‌هاي بزرگسالان و نابينايان از سطحي نزديك به دومين سطح توصيف و براي كتاب‌هاي كودكان و جزوه‌ها از سطحي نزديك به نخستين سطح توصيف استفاده مي‌شود، اما فهرستنويسي دو مورد اخير نيز با يكديگر اختلافاتي دارد. مثلا ًدر كتاب‌هاي كودكان، عنوان در سرشناسه قرار مي‌گيرد و شمارة رده‌بندي كتابخانه كنگره داده نمي‌شود و در جزوه‌ها، نه سرعنوان(هاي) موضوعي و نه شمارة رده‌بندي دهدهي ديويي و نه شماره كتابخانة كنگره ارائه مي‌شود.

استفاده از دومين سطح توصيف، در حالي كه نخستين سطح توصيف مي‌تواند براحتي پاسخگوي نيازهاي كتابخانه‌اي باشد كه به هر دليلي نمي‌خواهد از سطح دوم توصيف استفاده كند نيروي انساني اضافي، بودجة اضافي، و زمان اضافي مي‌طلبد. در مواردي اين اتلاف نيروي انساني، بودجه و زمان، چشمگيرتر است. نمونة زير از كتابشناسي ملّي ايران، اگرچه مربوط به يك فرهنگ مهندسي ژنتيك است و منطقاً بايد در يك كتابخانة تخص‍ّصي مورد استفاده قرار گيرد، اما در اين‌جا براي مثال آورده شده و مي‌تواند نشان دهد كه تغيير در سطوح توصيف، تا چه اندازه مي‌تواند در نيروي انساني، بودجه، و زمان صرفه‌جويي نمايد:



در برگه‌دان سن‍ّتي كتابخانه، براي فهرستبرگة تصوير شماره 7 مي‌بايد هشت فهرستبرگة ديگر (بدون فهرستبرگة مادر كه در تصوير ديده مي‌شود) توليد كرد. اما در صورتي كه اين

فهرستبرگه با نخستين سطح توصيف نوشته شود به صورت زير در مي‌آيد



در برگه‌دان كتابخانه براي فهرستبرگة تصوير شماره8 مي‌بايد پنج برگة ديگر (بدون فهرستبرگة مادر كه در تصوير ديده مي‌شود) توليد كرد.به اين ترتيب مشاهده مي‌شود كه با به‌‌كار گرفتن نخستين سطح توصيف، نه تنها حجم فهرست توصيفي كاهش مي‌يابد، بلكه در مواردي كه اندك نيز نيست از تعداد اقلام فهرست تحليلي و درنتيجه، تعداد فهرستبرگه‌ها نيز كاسته مي‌شود. اين كاهش حجم در نوارها يا ديسك‌هاي مارك ايران نيز طبعاً باعث كاهش تعداد نويسه‌هاي مورد استفاده و درنتيجه صرفه‌جويي در حافظة رايانه خواهد شد.

دومين دليل اين كه اگر در كتابخانة ملي جمهوري اسلامي ايران از اين سطوح توصيف استفاده و الگوي آن‌ها در صفحات آغازين كتابشناسي مل‍ّي آورده شود، فهرستنويس هر كتابخانه‌اي در هنگام فهرستنويسي بنيادي، تكليف خود را خواهد دانست. در هر يك از اين سطوح، تعداد عناصر اطلاعاتي موردنياز و ترتيب آن‌ها داده شده است. به اين ترتيب، فهرستنويسي بنيادي در كتابخانه‌ها نيز شكلي يكدست‌تر پيدا خواهد كرد.

سومين دليل اين كه تبادل اطلاعات كتابشناختي در شبكة كتابشناختي ملّي و از طريق مارك ايران يكي از وقايعي است كه بزودي در جامعه كتابداري ايران رخ خواهد داد. اين تبادل، در آرماني‌ترين شكل خود، فهرستنويسي استانداردي مي‌طلبد. اگر فهرستبرگه‌هاي توليدشده در كتابخانه‌هاي ايران، حداقل از نظر تعداد و ترتيب عناصر اطلاعاتي از الگوي يكساني پيروي نمايند بي‌گمان اين تبادل به شكلي سريع‌تر و كامل‌‌تر انجام خواهد شد. در مارك ايران نيز بسادگي مي‌توان با تعريف دو ارزش در فهرست راهنماي هر ركورد، مشخص ساخت كه ركورد، در كدام سطح توصيف فهرستنويسي ‌شده است ـ حتي مي‌توان ترتيبي اتخاذ كرد كه هر كتابخانه از هر ركورد، برحسب سطح فهرستنويسي انتخابي خود، چه عناصر اطلاعاتي را بطور خودكار استخراج كند. اما همان‌گونه كه ذكر شد اين امر مستلزم وجود يك فهرستنويسي استاندارد است كه با انتخاب اين دو سطح فهرستنويسي، يكي از مهم‌ترين گام‌هاي آن برداشته مي‌شود.

**شكل نوين پيشنهادي براي شناسه‌هاي كتابشناسي مل‍ّي ايران**

با توجه به آن‌چه كه در بالا ذكر شد چهار پيشنهاد زير ارائه مي‌گردد:

1. از اين پس، فهرستنويسي كتابشناسي مل‍ّي و لوحه‌هاي فشردة آن، براي كتاب‌هاي بزرگسالان و نابينايان، كاملاً مطابق دومين سطح توصيف باشد.

2. براي كتاب‌هاي كودكان و جزوه‌ها از نخستين سطح توصيف استفاده شود.

3. الگوي هر دو سطح توصيف، در صفحات آغازين هر شماره از كتابشناسي و هر نسخه از لوحه‌هاي فشردة آن، داده شود.

4. اگر فهرستبرگة تصوير شماره 1 را با استفاده از فنون چاپ‍ّي به گونه‌اي تهيه كنيم كه عناصر اطلاعاتي موردنياز در دو سطح توصيف، از يكديگر متمايز شوند، امكان استفاده از هر دو سطح اول و دوم را در يك فهرستبرگه به وجود آورده‌ايم. تصوير شماره 9 اين شكل پيشنهادي را نشان مي‌دهد:



در فهرستبرگة تصوير شماره 9، عناصر اطلاعاتي كه با حروف سياه مشخص شده‌اند مربوط به نخستين سطح توصيف، و عناصر اطلاعاتي كل فهرستبرگه مربوط به دومين سطح توصيف هستند.

5. نرم‌افزارهاي كتابخانه‌اي و نيز مارك ايران را مي‌توان به سادگي به گونه‌اي برنامه‌ريزي كرد كه در هنگام توليد فهرستبرگه‌هاي يك ركورد، آن‌ها را در هر يك از دو سطح توصيف مورد نياز كتابخانه توليد كنند.

به اين ترتيب، با استفاده از يك شناسه در كتابشناسي ملّي ايران، امكان استفاده از هر دو سطح توصيف به كتابخانه‌هاي ايراني داده مي‌شود و به اين وسيله گام بزرگي نه تنها در راستاي صرفه‌جويي در كتابخانه‌ها برداشته مي‌شود، بلكه گامي بلندتر به سوي استانداردتر‌كردن هرچه بيشتر فهرستنويسي در كتابخانه‌هاي ايراني به جلو گذاشته مي‌شود؛ زيرا در شرايط كنوني، فهرستنويسي استاندارد است كه پياده‌سازي موف‍ّقيت‌آميز مارك ايران و شبكه كتابشناختي مل‍ّي ايران را تسريع مي‌كند.

**منابع**

**قواعد فهرستنويسي انگلوامريكن**/ انجمن كتابداران آمريكا... [و ديگران]؛ ترجمه رحمت‌الله فتاحي .ـ مشهد: آستان‌قدس رضوي. معاونت فرهنگي، 1371.

**كتابشناسي ملّي ايران**، شماره 83 ، نيمه اول 1374.ـ تهران: كتابخانة ملي جمهوري اسلامي ايران، 1375.

مسعودي، فرامرز. «بسامد انواع عناصر اطلاعاتي كتابشناختي در ركوردهاي ملي كتابشناختي ايران». **فصلنامه كتاب**، بهار 1374.ـ 59ـ48.

1. مسعودي، 1374.